

تکریم کودکان از منظر قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به روش تحلیل مضمون

مدیحه بتول^۱، سیده زینب رضوانی^۲

چکیده

تربیت فرزند از مسائل مهم و مورد توجه در منابع دین اسلام است که اصول خاص خود را دارد. مهمترین اصل در میان اصول برخاسته از تربیت فرزند، اصل کرامت انسانی است. این اصل باید در فرایند تربیت فرزند به ویژه دوران کودکی که مهمترین دوره شکل‌گیری شخصیت انسان است مورد توجه جدی قرار گیرد. پژوهش حاضر باهدف بررسی موضوع تکریم کودکان در آیات و روایات به روش کیفی از نوع تحلیل مضمون انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اصل تکریم و احترام در منابع اسلامی مشاهده می‌شود. همچنین راهکارهای رفتاری برای تکریم کودکان شناسایی شد که عبارتند از: انتخاب نام مناسب، برخورد مناسب، رعایت مساوات، وفای به عهد، انتظار به جا، بوسیدن، دادن حق آزادی البته در چارچوب خاص، بازی، راهکارهای گفتاری مانند سلام دادن، خطاب نیک داشتن، نظرخواهی و اجازه از آنها، آثار مثبت تکریم مانند آموزش گناهان، دوری از گناه و بشارت بهشت به تکریم‌کننده و ایجاد اعتماد به نفس در تکریم‌شونده و آثار منفی عدم تکریم مانند لجاجت، دروغ‌گویی، تکبر و زورگویی و شرارت در کودکان. رعایت این اصل در فرایند تربیت اسلامی کودکان چه بسا گره‌گشای بسیاری از مشکلات شخصیتی آنها و سوق‌دهنده کودکان در مسیر صحیح زندگی دنیوی و اخروی است.

واژگان کلیدی: اصل کرامت، تکریم، تربیت، تربیت کودکان، تربیت اسلامی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مدیر گروه علمی - تربیتی روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

انسان به‌طور ذاتی موجودی نیازمند است که نیازهای او از دو بعد مادی و روانی قابل بررسی است. از مهمترین نیازهای روانی انسان به‌ویژه کودکان، نیاز به احترام و تکریم است؛ زیرا خداوند انسان را موجودی محترم خلق کرده و به وی شرافت خاصی بخشیده است. مزلو نیز در هرم نیازهای روانی، نیاز به احترام را از نیازهای اساسی می‌داند. تکریم کودکان و توجه به شخصیت آنها علاوه بر تقویت حس خوب، باعث افزایش عزت نفس می‌شود؛ زیرا کودک قبل از هرچیز و هرکس به خود علاقه دارد و به‌طور فطری عاشق و شیفته خویشتن است. هیچ چیز در او به اندازه خودش عزیز و محبوب نیست و در پرتوی این حب ذات و تکریم آن می‌توان بسیاری از سجایا و صفات پسندیده را در او پرورش داد. کودکی که به قدر کافی در خانواده احترام شود و غریزه حب ذات وی به‌طور صحیح ارضا شود روحیه‌ای طبیعی و روانی معتدل دارد. از چنین کودکی توقع اخلاق پسندیده و رفتار عادلانه می‌رود. کودکی که از پدر و مادر احترام و تکریم ندیده و غریزه حب ذاتش ارضا نشده است در محیط خانواده خود احساس سستی و حقارت می‌کند و روحی شکست خورده و روانی افسرده دارد. بدون تردید، چنین کودکی در معرض انحراف‌های گوناگون فردی و اجتماعی است و در مسیر زندگی با خطر مواجه می‌شود. (رفیعی محمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۲)

تکریم شخصیت به‌ویژه در دوران حساس و سرنوشت ساز کودکی باعث افزایش عزت و اعتماد به نفس شده و فتح قله‌های موفقیت در تمام عرصه‌های زندگی را به دنبال دارد. بنابراین، باید مورد توجه عوامل تربیتی به‌ویژه والدین و معلمان قرار گیرد. (نساجی زواره، ۱۳۸۴، ص ۶۴)

آموزه‌های اسلام به این موضوع توجه و اهتمام خاص دارند و آن را یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت فرزند می‌دانند. نوشتار حاضر با گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و باروش تحلیل مضمون به این مهم می‌پردازد که روش تربیتی تکریم کودکان که پشتوانه سلامت روان و از مهمترین عوامل رشد شخصیت آنهاست در آیات و روایات چگونه و از چه نظر مورد توجه قرار

می‌گیرد. در راستای هدف و ضرورت موضوع نوشتار حاضر پژوهش‌های زیادی انجام شده است که هر کدام به نوبه خود بر غنا و اهمیت موضوع افزوده‌اند.

پایان نامه روش‌های کرامت‌بخشی به کودکان ازمنظر آموزه‌های دینی از نرجس طالعی که باروش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع دینی به‌ویژه روایات اهل بیت علیهم السلام در زمینه تکریم فرزندان در هر رده سنی نوشته شده است. این نوشته باروش تحلیل مضمون و باتکیه به اینکه اصل تکریم، اصل مهمی در فرایند تربیت است نوشته شده است که از آیات قرآنی در این راه بهره کافی برده است.

مقاله تکریم و احترام گذاشتن به کودکان از دیدگاه قرآن و ائمه اطهار علیهم السلام از سید باقر حسینی و زهرا عرب به تمام اصول، راهکارها و اثرات تکریم از دیدگاه منابع اسلامی باروش توصیفی-تحلیلی پرداخته است. در این مقاله بهره‌گیری از آیات الهی جنبه پرننگ‌تری به خود گرفته و کمتر از روایات استفاده شده است.

مقاله تکریم و احترام به کودک نوشته ناهید حیدری و نوشین پورشایگان، نقش اساسی مادر در تکریم شخصیت کودک را از دیدگاه نهج‌البلاغه و به‌روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. احترام در لغت و اصطلاح

احترام از واژه‌های غیرمصرح قرآنی است که از حرمت و حرم گرفته شده است. حریم چاه به معنای محدوده‌ای است که نمی‌توان به آن نزدیک شد و کسی حق تصرف و حفر چاه دیگر در آن محدوده را ندارد. کلمه احترام (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۹) نیز به معنای حرمت داشتن بزرگداشت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۹۲). احترام در اصطلاح، احساس مثبت از ارج نهادن و اعتنا به فرد یا شیء است که فرد احترام‌گذارنده آن را سزاوار احترام می‌شمارد. فردی که به شخصیت چیزی احترام می‌گذارد یا به آن شخصیت توجه می‌کند و برای آن اندازه‌ای ارزش قائل

می‌شود این ارزش‌گذاری ممکن است خود را در رفتار و عملکرد احترام‌گذارنده نسبت به احترام‌یافته نمایان کند (جبل‌عاملی، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

۲-۲. تکریم در لغت و اصطلاح

واژه تکریم از فعل کَرَمَ به معنای بخشندگی، دست‌ودل‌بازی، سودمندی و کریم بودن گرفته شده است. در زبان فارسی برای این واژه برخی معانی مانند برگزیدن، گرمی داشتن و بزرگی دادن به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۹) واژه‌های تکریم و اکرام به معنای بخشش، بزرگواری و نیکویی رساندن است. همچنین به معنای سود، نیکی و ارجی که کاهش‌پذیر نیست یا چیزی که بزرگوارانه است و به انسان می‌رسد به کار می‌رود (راغب اصفهانی ۱۴۰۶، ۲۱۴/۳). با تکریم است که انسان حس ارزشمند بودن پیدا می‌کند و به سمت خوبی‌ها حرکت می‌کند. انسانی که تکریم می‌شود زمینه‌ای در او پدید می‌آید تا در مسیر رضایت الهی حرکت کند (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ۳۴/۱)، سبب می‌شود انسان احساس احترام و دوستی نزد خدای متعال و مردم داشته باشد (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ۳۸/۱)، محور رفتارهایش براساس خیر بوده و از شرارت دور باشد و عزتش در خیر رساندن و داشتن منش نیکو و دوری کردن از پستی باشد.

۳. تکریم کودک در قرآن

در کتاب وحی، انسان موجودی خاکی و خدایی است. خداوند او را از خاک آفریده و از روح خود در او دمیده است. خلافت انسان، کرامت او و فضیلتش بر بسیاری از موجودات مشخص است. (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۷)

۳-۱. آیاتی که نشانگر جمال انسان است

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». (اسراء: ۷۰)



«ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم». (تین: ۵)

«ثُمَّ خَلَقْنَا النَّفْثَةَ عِلْقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ آن‌گاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم، پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آن‌گاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم. بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم، آن‌گاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است». (مؤمنون: ۱۴)

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِرٍ؛ آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است و برخی از مردم درباره خدا بی [آنکه] دانش و رهنمود و کتابی روشن داشته باشند [به مجادله برمی‌خیزند]». (لقمان: ۲۰)

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ اوست آن کسی که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید، سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد و او به هرچیزی داناست». (بقره: ۲۹)

۳-۲. آیاتی که بیانگر انحطاط انسان است

«يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنْكُم وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ ماایم که آنان را آفریده و پیوند مفاصل آنها را استوار کرده‌ایم، و چون بخواهیم، [آنان را] به نظایرشان تبدیل می‌کنیم». (نساء: ۲۸)

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا؛ به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است». (معارج: ۱۹)

«وَأَتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ؛ و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد، و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید. قطعاً انسان ستم‌پیشه ناسپاس است». (ابراهیم: ۳۴)

«وَأَذْكُرَنَّ مَا يُثْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا» و آنچه را که از آیات خدا و [سخنان] حکمت [آمیز] در خانه‌های شما خوانده می‌شود یاد کنید. درحقیقت خدا همواره دقیق و آگاه است». (احزاب: ۳۴)

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» و درحقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری] آنها همان غافل ماندگاند». (اعراف: ۱۷۹)

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند که پاداشی بی‌منت خواهند داشت». (تین: ۶)

۳-۳. آیات در مورد کرامت انسان

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِي؛ و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشان‌دیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». (اسراء: ۷۰)

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» بگو کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید، بخوانید. [آنها] نه اختیاری دارند که...». (اسراء: ۵۶)

این آیات و آیات دیگر نشان‌دهنده اهمیت کرامت انسانی در قرآن مجید است. کودکی مهمترین دوره زندگی انسان است و آینده هر شخص به دوران کودکی او بستگی دارد. در رفتار با کودک احترام گذاشتن باعث می‌شود که خودپنداره مثبت نسبت به خود و دیگران در او شکل بگیرد و در نتیجه اعتماد به نفس کودک بالا برود و این راه حل بسیاری از مشکلات در زندگی انسان است. در آیات قرآن مثال‌های زیادی در مورد انبیا و اولیای الهی آمده است که به کودکان خود احترام می‌گذاشتند. برای مثال حضرت لقمان عليه السلام هنگامی که قصد نصیحت فرزند خود را

دارد در ابتدا از واژه «یا بُنَّی» استفاده می‌کند: «یا بُنَّی لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ ای پسر عزیزم، هرگز شرک به خدا نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است» (لقمان: ۱۳). این خطاب نشان‌دهنده محبت و تکریم حضرت لقمان به فرزندش است. حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی خواب قربانی شدن فرزندش را دید نزد حضرت اسماعیل علیه السلام رفت و ایشان را با واژه «یا بُنَّی» خطاب کرد، سپس خواب خود را برای ایشان تعریف کرد و نظر اسماعیل علیه السلام را در رابطه با خواب پرسید: «یا بُنَّی إِنِّی أَرَىٰ فِی الْمَنَامِ أَنِّی أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ؛ ای پسرک من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم پس ببین چه به نظرت می‌آید؟» (صافات: ۱۰۲).

۴. یافته‌ها

با مراجعه به برخی آیات نوربخش قرآن و روایات معصومین علیهم السلام ۳ مضمون اصلی و ۳۳ مضمون فرعی درباره تکریم کودکان استخراج شد که برخی از آنها به طور مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم بر مضمون اصل تکریم دلالت دارند. برای ارتقای غنای علمی نوشته حاضر و گسترش دامنه منابع مربوط به موضوع، آن دسته از روایاتی که غیرمستقیم به مضامین اصلی اشاره داشتند مطرح می‌شود.

جدول ۱

مضامین استخراج شده از آیات و روایات درباره تکریم کودکان

مضمون اصلی	مفهوم فرعی	گزاره‌ها
اهمیت تکریم	کرامت ذاتی انسان	وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم». (اسراء: ۷۰)
	رعایت تکریم حتی در حال نماز	رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام یکی از دو نماز ظهر یا عصر به نزد ما آمد و یکی از دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام را به همراه خود داشت، پس

	آن حضرت در جلوی صفوف ایستاد و آن دو کودک را نزد پای راست خود گذارد، سپس به سجده رفت و سجده را طولانی کرد. راوی گوید: «پدرم گفت: من از میان مردم سرم را از سجده بلند کردم و دیدم که رسول خدا ﷺ در سجده است و آن کودک بر پشت آن حضرت سوار شده است. من به حال سجده برگشتم و چون نماز آن حضرت تمام شد مردم عرض کردند: ای رسول خدا در این نمازی که امروز خواندی سجده‌ای طولانی داشتی که در نمازهای دیگر نداشتی، آیا دستوری به شما در این باره رسیده بود یا وحی بر شما نازل گردید؟ فرمود: هیچ یک از اینها نبود، بلکه پسر من بر پشت من سوار شده بود و نخواستم او را ناراحت کنم تا هر کاری که می‌خواهد انجام دهد». (متقی هندی، ۱۳۹۷، ۱۶۵/۳)
امیر بودن کودک در هفت سال اول	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْوَلَدُ سَبْعُ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعُ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعُ سِنِينَ. فَإِنْ رَضِيتَ خَلِيفَةً لِاحِدٍ وَ عَشْرِينَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ فرزند، هفت سال مولی، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم روحيات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واگذار که در پیشگاه خدا معذوری». (مجلسی ۱۴۰۳، ۹۵/۱۰۱)
بلند شدن پیامبر ﷺ برای حضرت فاطمه ﷺ	«هنگامی که حضرت فاطمه ﷺ به دیدن پیامبر ﷺ می‌آمد آن حضرت به احترام دخترش از جای برمی‌خاست و ایشان را می‌بوسید و به جای خود می‌نشاند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱/۳۷)
توقف پیامبر ﷺ برای کودکان	هنگامی که پیامبر ﷺ به سفر می‌رفت و در رهگذر با کودکان برخورد می‌کرد به احترام آنها می‌ایستاد، سپس امر می‌کرد تا کودکان را بیاورند. هنگامی که آن کودکان را نزد حضرت می‌آوردند رسول اکرم ﷺ برخی را در بغل می‌گرفت و برخی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و به اصحاب خود می‌فرمود: «کودکان را بغل بگیرید و بر دوش خود بنشانید». (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ۳۶۶/۳)
دعای پاداش امام سجاد ﷺ برای تکریم کننده	امام سجاد ﷺ می‌فرماید: «وائبهما علی تکرمنی؛ و آنان را در گرمای داشتند پاداش ده». (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، دعای ۲۴، ص ۸۹)



	سرعت دادن به نماز به خاطر کودک	«قال الامام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله بالناس ظهر مخفف في الركعتين الاخيرتين؛ امام صادق عليه السلام فرمود: رسول اکرم صلى الله عليه وآله نماز ظهر را با مردم به جماعت گذارد و دو رکعت آخر را به سرعت و با اسقاط مستحبات برگزار کرد. پس از نماز مردم گفتند: یا رسول الله آیا در نماز پیش‌امدی شد؟ حضرت پرسید مگر چه شده؟ عرض کردند دو رکعت آخر را به سرعت، ادا کردید. فرمود: مگر صدای شیون و استغاثه کودک را نشنیدید». (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸/۶)
راهکارهای تکریم	انتخاب نام خوب	«مردی خدمت نبی مکرم اسلام صلى الله عليه وآله آمد و از حقوق فرزندان بر پدر و مادر پرسید. حضرت فرمود: اسم و نام خوبی برایش انتخاب کنید، خوب تربیتش کنید و او را در دستیابی به یک موقعیت اجتماعی شایسته یاری دهید». (کلینی، ۱۳۷۵، ۴۸/۲)
	با نرمی برخورد کردن	«ام الفضل همسر عباس بن عبدالمطلب به خواهش پیامبر اسلام پرستاری امام حسین عليه السلام را پذیرفت تا کمک یار حضرت زهرا عليها السلام باشد. روزی پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به خانه وی رفت تا امام حسین عليه السلام را ببیند. وی بچه را به حضرت داد. بچه از شدت خوشحالی درحالی که در آغوش پیامبر صلى الله عليه وآله بود یک مرتبه خود را خیس کرد. ام الفضل تا این صحنه را دید آن چنان ناراحت شد که گفت: یا رسول الله ببخشید و خواست بچه را به تندی از آغوش حضرت بکشد. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: آرام باش. این آلودگی پاک می‌شود، اما چه چیزی می‌تواند کدورتی که تو بر دل فرزندم حسین عليه السلام نشاندی را پاک کند». (قمی، ۱۳۹۳، ۱۷۶/۱)
	بازی کردن با کودک	در روایتی از ام خالد گفته شده است: «روزی همراه پدرم نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله رفتیم. من پیراهن زردرنگی پوشیده بودم. پیامبر صلى الله عليه وآله خطاب به من فرمود: به به. من به بازی با انگشتر ایشان مشغول شدم. پدرم از این کار جلوگیری می‌کرد. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: رهایش کن». (طریحی، ۱۳۶۲، ۳۶/۴)
	قرار دادن کودکان در صف‌های اول نماز جماعت	جابر بن عبدالله می‌گوید: «سألته عن الصبيان اذا صفوا في الصلاة المكتوبة قال: لا تؤخروهم عن الصلاة و فرتقوا بينهم؛ از امام باقر عليه السلام درباره کودکانی که در نماز جماعت حاضر می‌شوند، پرسیدم. امام عليه السلام فرمود: آنها را به صف آخر نفرستید، بلکه بین آنها [به وسیله بزرگ‌ترها] فاصله ایجاد کنید». (رویفعی افریقی، ۱۴۱۴، ۱۴/۳)

برقراری مساوات بین کودکان	رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «ان الله تعالى يحب أن تعالوا بين أولادكم حتي في القبل؛ خداوند متعال دوست دارد بین فرزندان شما به مساوات رفتار کنید، حتي در بوسیدن». (متقی هندی، ۱۳۹۷، ۴۴۵/۱۶)
دادن هدیه	«روزی رسول خدا ﷺ آهویی که مردی اعرابی به او داده بود به امام حسن (علیه السلام) هدیه کرد و او نیز از این نظر بسیار خوشحال شد و با آن بازی می‌کرد». (حسن زاده آملی، ۱۳۷۵، ص ۳۱۲)
بوسیدن کودکان	«روزی درحالی که پیامبر ﷺ حسن و حسین را نوازش می‌کرد و می‌بوسید اقرع بن حابس که مردی از اشراف جاهلیت بود وارد شد و با دیدن این صحنه گفت: من ده پسر دارم و تابه حال هیچ کدامشان را نبوسیده‌ام. رسول خدا ﷺ ناراحت شد و فرمود: آن‌کس که نسبت به دیگری رحم نداشته باشد خداوند نیز بر او رحم نخواهد کرد، سپس فرمود: من چه کنم که خدا رحمت را از دل تو کنده است». (بخاری، ۱۴۰۴، ۷/۷۵)
وفای به عهد	امام علی (علیه السلام) از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «إذا وعد احدكم صبيه فلينجز؛ هريك از شما اگر به فرزند خود وعده‌ای می‌دهد باید به آن وفا کند». (نوری، ۱۴۰۷، ۱۵/۱۷۰)
انتظار به جا داشتن از فرزند	پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «رحم الله من اعان ولده علي برّه، قال: قلت كيف يعينه علي برّه؟ قال يقبل ميسوره و يتجاوز عن معسوره ولا يرهقه ولا يخرق به؛ خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکویی اش یاری کند». راوی گوید: «پرسیدم چگونه فرزند خود را بر نیکویی اش یاری کند؟ حضرت در جواب فرمود: آنچه را که در وسع و توان کودک باشد و آن را انجام دهد، بپذیرد و از آنچه که بر کودک سخت و دشوار است درگذرد و با تحمیل کارهایی فوق طاقت به او ستم روا ندارد و در رفتار با او درشتی و سختگیری نشان ندهد». (حرانی، ۱۴۰۴، ۱۵/۱۹۹)
آزاد گذاشتن	امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: «دست کم بچه را ۷ سال رها کن تا می‌تواند از دنیای بازی لذتش را ببرد». (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۹۴/۱۵)

گفتاری	برخورد با احترام	امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «با بچه هایتان به گونه ای برخورد کنید که آنها خودشان را کریم و باشخصیت بدانند». (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ۷۶/۲)
	سلام کردن به کودک	از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که ایشان از پدران خود و آنها از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند که حضرت فرمود: «خمس لا أدعهنّ حتی الممات و التسلیم علی الصبیان لیكون سنه من بعدی؛ پنج تا سنت و رفتار است که تا دم مرگ آنها را ترک نمی کنم تا پس از من میان مردم سنت و منش ماندگار شود: سلام کردن به کودکان». (شعیری، ۱۴۰۶، ص ۱۲۴)
	خطاب نیک	امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «اذا سمیتم الولد محمدا فاکرموه و اوسعوا له فی المجلس تقبحوا له وجها؛ هرگاه نام فرزندان را محمد گذارید او را اکرام و احترام نمایید، در مجلسی که وارد می شود جا برایش بگشایید و چهره به رویش ترش نکنید». (شعیری، ۱۴۰۶، ص ۱۲۶)
	نظر خواستن از کودک	«يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَأَنْظُرُ مَاذَا تَرَى؛ ای پسرک من، من در خواب [چنین] می بینم که تو را سر می برم پس ببین چه به نظرت می آید؟». (صافات: ۱۰۲)
	با احترام صدا زدن	«يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ ای پسر عزیزم، هرگز شرک به خدا نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است». (لقمان: ۱۳)
	اجازه گرفتن	«روزی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) شربت آوردند. پیامبر از آن نوشید. در سمت راستش کودکی بود و در سمت چپش اصحاب. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از کودک پرسید: آیا اجازه می دهد شربت را به اصحاب بدهد و چون کودک موافقت نکرد آن را به او داد». (طبرسی، ۱۳۰۷، ۹۲۶/۲)
آثار مثبت تکریم	آمرزش گناه تکریم کننده	پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفرلکم؛ فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو گردانید تا مورد مغفرت و بخشش قرار گیرند». (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۹۵/۱۵)
	پرهیز از گناه در تکریم شونده	امام علی (علیه السلام) می فرماید: «من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهواته؛ کسی که نفس کریمی داشته باشد یا جان خود را کریم و بالارزش بینگارد به راحتی از شهوات و خواسته های شهوانی می گذرد». (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹)

پیامبر ﷺ فرمود: «من كانت له انثى فلم يؤذها ولم يهنها ولم يؤثر ولده عليها ادخله الله الجنة؛ هرکه دختری داشته باشد و به او آزار نرساند و به او بی‌احترامی نکند و پسرش را بر او مقدم ندارد خداوند او را وارد بهشت می‌کند». (نوری ۱۴۰۷، ۱۱۸/۱۵)	بشارت بهشت برای تکریم‌کننده	
امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «با بچه‌هایتان به گونه‌ای برخورد کنید که آنها خودشان را کریم و باشخصیت بدانند». (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ۱۷۴/۳)	ایجاد اعتماد به نفس در کودک	
حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الافراط في الملامة يشب نيران اللجاج؛ افراط در سرزنش، آتش لجاجت [سرزنش‌شونده] را برمی‌افروزد [و او بر کار اشتباه خود اصرار و پافشاری می‌ورزد]. (حرانی، ۱۴۰۴، ۶۷/۲)	لجوج شدن کودک	آثار منفی تکریم
امام هادی علیه السلام در گفتاری می‌فرماید: «کسی که خودش در نزد خودش بی‌ارزش و بی‌مقدار باشد از شر او ایمن مباش». (حرانی، ۱۴۰۴، ۳۶۲/۱)	در امان نبودن از شر فرد حقیر	
پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ عَلَيْهِ؛ دروغ‌گو دروغ نمی‌گوید مگر به سبب فرومایگی خویش». (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۲)	دروغ‌گو شدن	
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «معمولاً انسان‌هایی که دچار خودبزرگ‌بینی، کبر و زورگویی می‌شوند به خاطر احساس خودکم‌بینی است که در خود دارند». (کلینی، ۱۳۷۵، ۳۱۲/۲)	متکبر شدن	
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «معمولاً انسان‌هایی که دچار خودبزرگ‌بینی، کبر و زورگویی می‌شوند به خاطر احساس خودکم‌بینی است که در خود دارند». (کلینی، ۱۳۷۵، ۳۱۲/۲)	زورگو شدن	
امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نفاق المرء من ذل يجده في نفسه؛ دوچهرگی ناشی از احساس ذلت و خودکم‌بینی است». (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ۷۲۲/۱)	نفاق	

۵. تذکرات مهم

- احترام و ستایش کودکان نباید از مقدار اعتدال تجاوز کند؛ زیرا اگر از حد طبیعی و اعتدال تجاوز کرد، امکان دارد موجب به وجود آمدن خوی زشت تکبر و خودبزرگ بینی شود. به گونه ای که کودک در زمان بزرگسالی از دیگران انتظار دارد که بیش از حد از او تعریف و تمجید کنند و در صورتی که خواسته اش برآورده نشد رنجیده خاطر می شود.

- شخصیت کودک باید به وسیله رفتار نیک و صفات پسندیده اش تحسین شود نه ذاتش؛ یعنی کودک باید بفهمد که رفتار پسندیده و صفاتی خوب است که ارزش وجودی او را بالا برده و سزاوار تعریف شده است نه ذات او به تنهایی. در چنین صورتی به انجام کارهای خوب تشویق می شود تا شخصیت خود را بالا ببرد.

- احترام و بزرگداشت کودک باید به گونه ای باشد که او را الوس و پرتوقع بار نیابد. کودک باید بفهمد که ارزش انسان به انجام وظیفه است و اگر او مورد احترام قرار می گیرد بدان دلیل است که انجام وظیفه کرده است.

۶. نتیجه گیری

تکریم در تربیت کودکان بر مبنای دین اسلام جایگاه محوری دارد و در متون اسلامی عامل زمینه ساز در رشد اخلاقی است و نقطه مقابل آن اهانت و تحقیر است که عامل و زمینه ساز بسیاری از گناهان و رذایل اخلاقی است. اگر کودکان در محیط خانواده به ویژه از طرف پدر و مادر مورد تکریم قرار گیرند و از ابتدا به شخصیت آنها احترام گذاشته شود غریزه حب ذات آنها به قدر کافی ارضا می شود و عزت نفس و اعتماد به نفس پیدا می کنند. این احساس خوب نسبت به شخصیت خود، او را از گناه دور نگه می دارد و اگر احساس بی شخصیتی کند مستعد گرایش به انحرافات اجتماعی و اخلاقی می شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: دارالثقلین.
- * الصحيفة السجادية (۱۳۷۶). قم: دفتر نشر الهادی.
۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۵). غررالحکم و دررالکلم. مترجم: انصاری، محمدعلی. قم: امام عصر.
۲. جبل عاملی، حمیده (۱۳۹۵). نقش احترام متقابل در رشد و کارایی خانواده. نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۴، ۵۹-۸۵.
۳. حرانی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ من آل الرسول. تصحیح و تحقیق: غفاری، علی اکبر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه. تهران: انتشارات اسلامی.
۵. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۵). نصوص الحكم بر فصوص الحكم. تهران: رجاء.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). المفردات فی غریب القرآن. تهران: مؤسسه الصادق الطباعه و النشر.
۸. رضی، محمد بن حسین بن موسی (۱۳۸۴). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین (ع).
۹. رفیعی محمدی، علی محمد (۱۳۹۲). بیست اصل در تربیت: اصول برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان. قم: انتشارات رسول اعظم (ع).
۱۰. شعیری، محمد بن محمد (۱۴۰۶). جامع الاخبار. بیروت: مؤسسه العلمی للمطبوعات.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). سنن النبی (ص). تهران: کتابفروشی اسلامی.
۱۲. طبرسی، حسن (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
۱۳. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). مجمع البحرين. تحقیق: حسینی، سید احمد. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۴. قمی، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (۱۳۹۳). عیون اخبار الرضا. مترجم: روغنی قزوینی، محمد صالح. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول الکافی. قم: اسوه.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تصحیح: غفاری، علی اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. مترجم: فیض الاسلام، سید علی نقی. بیروت: مؤسسه دارالاحیاء التراث العربی.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). میزان الحکمه. تهران: انتشارات دارالحديث.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۴). راهبردهای تکریم شخصیت در سیره معصومین (ع). نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۸۹، ۳۵-۵۷.
۲۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.